

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
کتابخانه ملی ایران  
تهران - پایانه ۱۰  
کد: ۷۲۴ - ۳۶۲ - ۵۱۱ - ۵۷۲

# سرچشم‌های دانایی و نادانی

مکتبه فتوژو

## کارل ریموند پوپر

کارل ریموند پوپر کیفرس  
فیلسوف اتریشی در سال ۱۹۰۲ در ترشیه  
آندریه بروگلیا و سوسی در سال ۱۹۹۱ در تشریه  
استثمار و اقتصاد محفل هنر و مارکت کندیکن من در سال ۱۹۹۵ به  
روانی و انسانی و پردازش علمی در مجموعه رسالات هنر و اقتصاد و  
سوسی در سال ۱۹۹۶ حدائقه هنر و مارکت کندیکن من در رویکرد ای

پیر کارل ویموند پوپر دانشمند اکتشافی که تبار ایرانی ناشست در سال ۱۹۷۸  
در شهر رومانی ازدواج کرد و در آن سال بازنشستگی در این کشور را آغاز کرد  
و در آن سال ازدواج کرد و در سال ۱۹۸۱ کتاب مجموعه انتشارات ایرانی را منتشر کرد  
و این کتابی در ایران از دهه ۱۹۸۰ تا کنون بسیار محبوب است

ترجمه عباس باقری



نشری

کتابخانه ملی ایران  
تهران - پایانه ۱۰  
کد: ۷۲۴ - ۳۶۲ - ۵۱۱ - ۵۷۲

کتابخانه ملی ایران  
تهران - پایانه ۱۰  
کد: ۷۲۴ - ۳۶۲ - ۵۱۱ - ۵۷۲

Oxford University Press

خوب - چیزی که نه هم باید آن است بلکه اینها ممکن است تا در آینده این روش را در جهان  
و شرکت‌های خارجی داشتند و اینها ممکن است تا در آینده ممکن باشد که این روش را  
هسته‌ای از تولید و توزیع محصولات ایرانی در جهان تبدیل کنند و اینها ممکن است تا در آینده  
در این انتشار اینها ممکن است تا در این انتشار اینها ممکن است تا در آینده اینها ممکن است تا در آینده  
و اینها ممکن است تا در آینده اینها ممکن است تا در آینده اینها ممکن است تا در آینده

روز جشن سپاه پاسداران اسلامی را برگزار کنند و اینها ممکن است تا در آینده اینها ممکن است تا در آینده

و اینها ممکن است تا در آینده اینها ممکن است تا در آینده اینها ممکن است تا در آینده

## مقدمهٔ مترجم

کتاب کوچک سرچشمه‌های دانایی و نادانی متن یک سخنرانی است که کارل پوپر در روز بیستم ژانویه سال ۱۹۶۰، به دعوت آکادمی بریتانیا<sup>۱</sup>، در چارچوب کنفرانس فلسفی سالانه آن آکادمی ایجاد کرد. این سخنرانی نخست در سال ۱۹۶۰ در نشریه آکادمی بریتانیا<sup>۲</sup> و سپس در سال ۱۹۶۱ در نشریه دانشکده آکسفورد<sup>۳</sup> در لندن منتشر یافت و در سال‌های بعد بارها تجدید چاپ شد. این متن در سال ۱۹۸۵ به زبان فرانسه ترجمه و به عنوان مقدمه در مجموعه رسالاتِ فرضیه‌ها و ردیه‌ها، و سپس در سال ۱۹۹۸ جداگانه به چاپ رسید. (که این ترجمه از روی آن است)

سیر کارل ریموند پوپر فیلسوف انگلیسی که تبار اتریشی داشت به سال ۱۹۰۲ در شهر وین (اتریش) زاده شد. نخست با نوتحصیلی‌ها (نوپوزیتیویست‌ها) همگام بود. اما سپس از آنها گسیخت. در سال ۱۹۳۴ کتاب منطق اکتشاف علمی را نوشت و در آن ویژگی نظریه‌های علمی را تشریح کرد. در سال ۱۹۵۶ با انتشار کتاب فقر تاریخ‌گرایی (یا تاریخیگری) به نقد مکتب فرانکفورت پرداخت. اثر مهم دیگر او جست‌وجوی ناتمام نام دارد که در سال ۱۹۷۴ منتشر شد و پوپر در آن نظریه‌های

1. British Academy

2. Proceeding of the British Academy

3. Oxford University Press

خود را درباره شناخت‌شناسی<sup>۱</sup> شرح داد. این آثار – تا آنجا که ما می‌دانیم – به فارسی ترجمه و چاپ شده و لذا خواننده ایرانی، هم از این راه و هم از راه بحث و گفت‌وگوهایی که در بسیاری از مجله‌ها و کتاب‌ها درباره پوپر و آثار او صورت گرفته عموماً با این فیلسوف نامدار قرن بیستم آشناشی دارد، بهویژه اغلب خوانندگان به یقین اثر پراوازه او به نام جامعه باز و دشمنان آن را خوانده‌اند. لذا ما نیاز به شرح و بسط بیشتری در باب آثار و عقاید او نداریم.

این رساله کوچک محتوی یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها، و بهتر بگوییم محتوی لب‌لب نظریات فلسفی او در زمینه شناخت و آگاهی و شناخت‌شناسی و ارزش و اعتبار نسبی فرضیه‌ها و تئوری‌های علمی و قابل رد بودن آنها و عدم قاطعیت دانسته‌های پژوهی است ضمن آنکه، چون برای سخنرانی تنظیم شده به زبانی ساده‌تر از آثار دیگر او و طبعاً سودمندتر برای همگان به نوشته درآمده است. کارل پوپر در سال ۱۹۹۴، به سن نود و دو سالگی درگذشت. مخالفان و موافقان نظریه‌های او بسیارند و برخی از آنان، در هر دو جهت، تندرو- و احتمالاً برخلاف نظریه اصلی او مبنی بر حتمیت قابل رد بودن هر تئوری علمی و هر نظریه‌ای – تا حدی متعصب. گفت‌وگو درباره نظریات پوپر، بهویژه هنگامی که این نظریه‌ها در زمینه علوم انسانی به کار می‌رود و بر جامعه‌های انسانی انطباق می‌یابد، گستره و پردازنه است. اما در هر حال امروز هیچ اندیشمند صاحب‌نظری نیست که از کنار حرف‌های او بی‌اعتنای بگذرد و عقایدش را نادیده و ناشنیده انگارد، بی‌آنکه البته ضرورتاً با تمامی آنها هم‌رأی و موافق باشد. و اما برای همگان، کمترین سود خواندن آثار پوپر، بهویژه این کتاب کوچک اما پرمحتو، آمادگی برای «بازاندیشی» و تحمل «دگراندیشی» است. و همین مترجم را واداشت تا آن را به فارسی برگرداند با این امید که پذیرش اهل فن و پسند همگان را در بی داشته باشد.

1. epistemologie = معرفت‌العلوم

گرچه دانسته‌هایم اندک است اما می‌خواهم آن را بشناسانم تا دیگری، بهتر از من، حقیقت را کشف کند و کاری را پی‌گیرد که به رفع اشتباه من بینجامد. و با این همه شادمان خواهم شد که علت کشف آن حقیقت بوده‌ام. آبرویت دور در

حتی رده نظریه‌ای که بدان پای‌بندم مرا شاد می‌کند زیرا علم، با این کار نیز به یک پیروزی دست می‌یابد. جان. س. اکلس

بدینسان، حقیقت، خود آشکار می‌شود...  
اسپینوزا

هر کس برای تمیز (... ) حقیقت (... ) ظواهر، سنگ محکی دارد.

غیر ممکن است مابه چیزی بیندیشیم که پیشتر آن را با حواس، درونی یا بیرونی، خود احسان نکرده باشیم.